

بررسی تأثیر ابعاد هویت فردی در نگرش به ازدواج با میانجی‌گری مؤلفه‌های افق ازدواج در دانشجویان دختر مجرد تحصیلات تکمیلی

نازیلا ابراهیمی*

امین کرایبی**، ذبیح‌اله عباس‌پور***، مسعود شهبازی****

چکیده

هدف این پژوهش طراحی و تدوین مدل تأثیر ابعاد هویت فردی در نگرش به ازدواج با میانجی‌گری مؤلفه‌های افق ازدواج بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دختر مجرد مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های استان آذربایجان شرقی است که از آن میان نمونه‌ای به حجم سی صد نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. طرح پژوهش تحلیل ماتریس کواریانس یا هم‌بستگی (تحلیل مسیر) است که به بررسی آثار مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت فردی در نگرش به ازدواج با میانجی‌گری مؤلفه‌های افق ازدواج می‌پردازد. ابزارهای مورد استفاده عبارت‌اند از مقیاس نگرش به ازدواج،

* دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران
nazila_abraimi_nzl@yahoo.com

** استادیار گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)
am.koraei@gmail.com

*** مدرس مدعو، گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، استادیار گروه مشاوره،
دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، اهواز، ایران، zabbaspour1356@gmail.com

**** استادیار گروه مشاوره، واحد مسجدسلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجدسلیمان، ایران
masoudshahbazi66@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰

پرسش‌نامه فرایند هویت فردی، مقیاس اهمیت ازدواج، مقیاس سن موردانتظار ازدواج، و مقیاس آمادگی ازدواج. نتایج نشان داد مؤلفه عشق، هم مستقیم و هم غیرمستقیم، از طریق سه مؤلفه افق ازدواج با نگرش به ازدواج ارتباط دارد. مؤلفه کار نیز فقط به صورت غیرمستقیم و از طریق مؤلفه زمان‌بندی ازدواج، و آمادگی ازدواج با نگرش به ازدواج مرتبط است. از سوی دیگر، مؤلفه جهان‌بینی هم مستقیم و غیرمستقیم از طریق مؤلفه اهمیت ازدواج و مؤلفه آمادگی ازدواج موجب بهبود نگرش به ازدواج می‌شود. مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج نیز مستقیماً با نگرش به ازدواج ارتباط دارند. یافته‌های حاصل از تحلیل مسیر نشان داد مدل ساختاری برازندگی خوبی دارد و همه روابط ساختاری مدل نهایی در سطح $P < 0/05$ معنادار است.

کلیدواژه‌ها: ابعاد هویت فردی، نگرش به ازدواج، مؤلفه‌های افق ازدواج.

۱. مقدمه

ازدواج مهم‌ترین تجربه انسان در گذر از مرحله نوجوانی به بزرگسالی است (Willoughby 2010). ازدواج ارتباطی است که ویژگی‌های بی‌نظیر و گسترده‌ای دارد، ارتباطی با ابعاد زیستی، عاطفی، روانی، اقتصادی، و اجتماعی. به عبارت دیگر، هم‌زیستی زن و شوهر در درون واحد خانواده موجب ارتباط عمیق و همه‌جانبه‌ای می‌شود که بی‌هیچ شک و شبهه‌ای قابل مقایسه با دیگر ارتباطات انسانی نیست، به نحوی که قرارداد ناشی از آن نوعی تقدس یافته است (Brown et al. 2006). ازدواج تعهدی است با عشق و مسئولیت برای صلح، شادی، و توسعه روابط خانوادگی قوی. یکی از مهم‌ترین روابط بین مرد و زن ازدواج است، شامل تعهد عاطفی و قانونی، که در زندگی هر فرد بالغ بسیار بااهمیت است. علاوه بر این، انتخاب شریک و ورود به زندگی زناشویی نقطه عطف و موفقیتی شخصی است. شکی نیست که انتخاب شریک زناشویی از مهم‌ترین تصمیمات زندگی است. مردم به دلایل بسیاری مانند عشق، شادی، هم‌راهی، آرزوی داشتن فرزندان، جاذبه جسمانی یا تمایل به فرار از وضعیتی ناشاد و ناراضی ازدواج می‌کنند (Rao 2017). ازدواج یکی از انتخاب‌های مهم و سرنوشت‌ساز هر فرد است. این انتخاب یکی از مراحل و فرایندهای رشد محسوب می‌شود که در تکامل ابعاد درونی و شخصیتی انسان مهم است (Adamczyk 2017). سن ازدواج در دهه‌های اخیر افزایش چشم‌گیری داشته است. هم‌خانگی و ازدواج‌های غیررسمی، که در نهایت به ازدواج رسمی ختم نمی‌شوند، روزبه‌روز در حال افزایش‌اند (Vespa 2014). زندگی مشترک بدون ازدواج در حال حاضر به‌طور گسترده‌ای در میان

جمعیت ایالات متحده منتشر شده و روی دادی به هنجار در چرخه زندگی محسوب می‌شود (Manning 2014). برخی از هم‌خانه‌ها و زوج‌های غیررسمی نه‌تنها شریک جنسی یک‌دیگر محسوب می‌شوند، بلکه اقدام به بارداری یا پذیرفتن فرزند از طریق فرزندخواندگی می‌کنند که این آمار حدود بیست درصد کودکان متولدشده در آمریکا را شامل می‌شود (Kennedy and Bumpass 2011). جامعه‌رشدیافته در گروه خانواده‌های منسجم و موفق است. این هدف زمانی تحقق می‌یابد که انتخاب همسر از روی آگاهی و باتوجه‌به معیارهای صحیح صورت گیرد (Boyce et al. 2017). افراد در طول زندگی خود دائم در حال انتخاب‌اند و در هر انتخاب ملاک‌هایی را مبنا قرار می‌دهند. تعدادی از این ملاک‌ها مربوط به فرد و برخی نیز تقریباً بین همه اعضای یک گروه، از نظر جنس یا نوع، مشترک‌اند (Claxton 2013).

احساسات و نگرش‌ها در مورد ازدواج متغیری کلیدی در تصمیم برای ازدواج و پیش‌بینی معنادار رضایت زناشویی است (Schramm et al. 2012). نگرش به ازدواج (marital attitude) عبارت است از عقیده ذهنی و باورهای فرد در مورد ازدواج (Bratten and Rozen 1998). به‌نقل از (Willoughby et al. 2015a) که در مراحل اولیه زندگی شکل می‌گیرد و شامل سازه‌های نسبتاً ثابت است. در سال‌های اخیر، نگرش جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده جهت‌گیری منفی یافته و به‌دنبال این نگرش منفی، تباهی اخلاقی، اجتماعی، و اقتصادی در جوانان عمومیت یافته است (Jonsson et al. 2000). یکی از علل کاهش گرایش به ازدواج در جوانان کشور ما باورهای نادرست و نگرش نامناسب به ازدواج ذکر شده است (آزاد فلاح و دیگران ۱۳۸۷).

شکل‌گیری نگرش به ازدواج از دو رویکرد نظری قابل‌توجه است. اول آن‌که، براساس نظریه دل‌بستگی، رابطه والدین با مراقبان اولیه (به‌خصوص مادر) در ایجاد الگوهای فعال درونی نقش دارد (Mikulincer and Shaver 2007). الگوهای فعال درونی ممکن است یکی از مکانیسم‌هایی باشد که از طریق آن نگرش به صمیمیت انتقال می‌یابد (Risch et al. 2004). در نظریه‌های دل‌بستگی کنونی، رابطه والد - کودک نه‌تنها در دوران کودکی مهم است، بلکه در دوران بزرگسالی نیز اهمیت دارد (Freeman and Brown 2001). دوم آن‌که، براساس نظریه یادگیری اجتماعی، والدین ایده‌های خود را راجع به رابطه با جنس مخالف از طریق الگوسازی و یادگیری جانشینی به فرزندان خود انتقال می‌دهند و نگرش فرزندان به صمیمیت از طریق مشاهده والدین و روابط بین آن‌ها الگوبرداری می‌شود. از طرف دیگر، فرزندان تجربه رابطه خود و والدین را در حکم مبنایی برای ایجاد صمیمیت در روابط به‌کار

می‌برند. این یادگیری از منابع دیگری مانند رسانه‌ها، مدرسه، یا دوستان نیز صورت می‌گیرد (Risch et al. 2004). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ساختار و محیط خانواده اصلی در نگرش به ازدواج و نیز زندگی خانوادگی فرزندان نقش دارد (Carey 2005).

کارول و همکارانش (Carroll et al. 2009) با استفاده از چشم‌انداز چرخه عمر خانواده، نظریه افق ازدواج (marital horizon theory) را در زمینه آمادگی برای ازدواج فراهم کردند. منظور از لغت «افق» زاویه دید، تجربه، علاقه، و آگاهی افراد در زمینه آمادگی برای ازدواج است (Neufeldt and Guralnik 1988). مفهوم افق ازدواج به چشم‌انداز یک شخص یا رویکرد وی به ازدواج در رابطه با وضعیت فعلی‌اش اشاره دارد. کارول و همکارانش (Carroll et al. 2009) پیش‌نهاد کردند که حداقل سه بخش مرتبط و درعین‌حال مجزا وجود دارد که تعریف افراد بزرگسال از افق تأهل را تشکیل می‌دهد: اول، اهمیت ازدواج در برنامه فعلی زندگی فرد؛ دوم، زمان موردنظر فرد برای ازدواج در این دوره؛ و سوم، معیارهای آمادگی فرد برای ازدواج یا باورهای او در این زمینه.

مفاهیم موجود در ورای افق‌های ازدواج بر «پیش‌بینی» و «برنامه‌ریزی» برای ازدواج تمرکز دارد (Carroll et al. 2007)، و نقش موردانتظار نوبزرگسالان از ازدواج در زندگی را برجسته می‌کند. تئوری افق ازدواج اساس مطالعات بسیاری در سال‌های اخیر شده که این موضوع نشان‌دهنده اهمیت عقاید مربوط به ازدواج در رشد و توسعه افراد بالغ است. مثلاً طبق نظریه افق ازدواج، بالغان با تمایز یافتگی بیشتر یا افرادی که اهمیت کمی به ازدواج می‌دهند و اولویت‌های زمانی دیگری دارند مشارکت در رفتارهای ریسک‌پذیرتر (Carroll et al. 2007) و فعالیت جنسی پیش‌تری از خود نشان می‌دهند (Willoughby and Carroll 2009). اعتقادات زناشویی نیز مستقیماً در توسعه روابط میان بالغان اثر می‌گذارد. یک مطالعه نشان داده است که نگرش مثبت به ازدواج بیشتر با افزایش تعهد در روابط عاشقانه همراه است (Willoughby 2014)، درحالی‌که مطالعه دیگری نشان داده سن مطلوب ازدواج به سلامت روان و چگونگی ارتباط سن واقعی ازدواج نوبزرگسالان و هم‌سازسازی تمایلات در آن‌ها بستگی دارد (Carlson 2012).

زمان‌بندی ازدواج و اهمیت آن با مصرف مواد و هرج و مرج جنسی آن دسته از افرادی مرتبط است که زمان ازدواج را به تأخیر می‌اندازند و به ازدواج کم‌تر اهمیت می‌دهند (Carroll et al. 2007). باتوجه‌به ارزش‌های تشکیل خانواده، زمان‌بندی و اهمیت ازدواج با فرزندمحوری، داشتن همسر خارج از ازدواج (منظور همسر غیررسمی است یا همسری مخفی علاوه‌بر همسر رسمی، یعنی همسر دوم؟)، زایمان خارج از ازدواج (به‌دنیا آوردن

فرزند نامشروع؟)، و استقلال همسر در ارتباط است. اهمیت ازدواج در ارتباط منفی با همسر خارج از ازدواج، زایمان خارج از ازدواج، و استقلال زوجین است، اما به‌طور مثبتی با فرزندمحوری مرتبط است (Carroll et al. 2007). تأخیر در ازدواج با افزایش بیشتر پذیرش داشتن همسر خارج از دایره ازدواج در مردان و زنان همراه است، اما در موارد دیگر متفاوت است. زنانی که تأخیر در زناشویی را می‌پذیرند کم‌تر کودک‌محورند و بیشتر به داشتن فرزند بدون ازدواج تمایل دارند و سطح بالاتری از استقلال همسر را می‌خواهند. در مورد مردان، تأخیر در ازدواج با تمایل کم‌تری به داشتن یک کودک خارج از ازدواج همراه بود (Carroll et al. 2007). کارول و همکارانش ادعا می‌کنند که «آشکار است که دیدگاه‌های جوانان به ازدواج ممکن است با طیف گسترده‌ای از ارزش‌ها و رفتارهای نوبزرگ‌سالی مرتبط باشد» (Carroll et al. 2007).

پژوهش‌های قبلی به بررسی برخی از مسائل در توسعه هویت و اعتقادات و شکل‌گیری روابط صمیمانه پرداخته‌اند، اما مطالعات اندکی تا به امروز رابطه این دو را با هم بررسی کرده‌اند و بسیاری از این مطالعات صرفاً اعتقادات کوتاه‌مدت و رفتارهای هم‌زمان را بررسی کرده‌اند (Barry et al. 2009; Zimmer-Gembeck et al. 2012; Montgomery 2005). شکل‌گیری هویت شامل ایجاد انتخاب و تعهد به نقش‌هاست (Mullis et al. 2007). پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهند که موفقیت در هویت عشقی با دیدگاه مرکزی در مورد ازدواج که در زمان‌بندی قبل از ازدواج دیده می‌شود سازگار است و اهمیت بیشتر ازدواج در مقایسه با هم‌سالانی که کم‌تر اهمیت می‌دهند مشهود است (Beyers and Seiffge-Krenke 2010). باین‌حال، پیشرفت در هویت کار احتمالاً با ازدواج در حال رقابت است و یک نقش اصلی در نظر گرفته می‌شود و در زمان‌هایی از اهمیت ازدواج می‌کاهد (Willoughby et al. 2015a). به‌طور مشابه، کسب پیشرفت در توسعه جهان‌بینی نیز احتمالاً در مرحله بعدی با زمان‌بندی مربوط به ازدواج مرتبط می‌شود و اهمیت کم‌تر آن از ازدواج ممکن است با تصمیم‌گیری‌های مستقل و باورهای شخصی فرد در ارتباط باشد (Arnett et al. 2001).

برای درک چگونگی اتصال افق ازدواج و هویت، تعریف هویت بسیار مهم است. هویت، اگرچه تعریف دقیق آن در تحقیقات متفاوت است، به‌طور کلی مجموعه‌ای از باورها و ادراکات فردی در مورد چگونگی ورود به دنیای اجتماعی است (Erikson 1950). چنین اعتقادی از طریق فرایند کاوش و جمع‌آوری امکاناتی که پس از تصمیم‌گیری در مورد این‌که چه امکاناتی را برای متعهد کردن به زندگی خود اختصاص دهیم حاصل می‌شود و در افراد بالغ کسب هویت نامیده می‌شود (Marcia 1966). به‌طور خاص، اکتشاف امکانات در

سه حوزه هویت به‌عنوان کلیدی برای نوبزرگ‌سالان برجسته شده و هموارکننده جاده رو به نوبزرگ‌سالی در کنار عشق (روابط احساسی)، کار، و جهان‌بینی (ارزش‌ها) است (Arnett 2000).

به‌رغم کمبود پژوهش‌ها در این زمینه، چند مطالعه به آن اشاره کرده‌اند و ارتباط احتمالی بین باورهای زناشویی و توسعه هویت را در نظر گرفته‌اند. مثلاً در یک مطالعه، نوبزرگ‌سالانی که شکل‌گیری هویت خود را برتر می‌دانستند به‌احتمال بیشتری دلیل آن را وجود روابط عاشقانه می‌دانستند (Barry et al. 2009). این مطلب نشان می‌دهد که تشکیل هویت موفق معیاری برای تغییر در تمرکز در تشکیل تمایلات است. مطالعات دیگر نشان داده‌اند که افراد دارای هویت خانواده‌گرا احتمالاً بیشتر تر آماده انتقال خانواده، از جمله ازدواج، در اوایل زندگی هستند. سالملا - آرو و همکارانش (Salmela-Aro et al. 2007) نشان می‌دهند که آنچه منجر به هویت می‌شود با شکل‌گیری تمایلات ارتباط دارد. با کنار هم قراردادن همه موارد، این مطالعات نشان می‌دهند که ارتباطی بین هویت و تمایلات رفتاری وجود دارد، اما از چگونگی شکل‌گیری هویت در نوبزرگ‌سالان و اتصال آن به باورهای تمایلی تصویر واضحی به‌دست نمی‌دهند. همان‌طور که نوبزرگ‌سال اول کشف می‌کند و سپس به انواع امکانات در هر دامنه هویتی متعهد می‌شود، نه تنها درک می‌کنند چه کسی هستند، بلکه شروع می‌کنند به تمرکز بر آینده خود در نقش‌های نوبزرگ‌سالی (Crocetti et al. 2012). به‌عبارت‌دیگر، انتقال به نوبزرگ‌سالی به قراردادن نقش‌های جدید در هویت فرد بالغ بستگی دارد.

هویت عشق (روابط احساسی): نوبزرگ‌سالان، همان‌طور که دستاوردهایی در هویت عاشقانه خود پیدا می‌کنند، شروع می‌کنند به برقراری روابط بیش‌تر به‌طور جدی‌تر. این موضوع هم در روابط رفتار آن‌ها و هم در نتایج ارتباطاتشان مشاهده می‌شود. پژوهش درمورد وضعیت هویت و رفتارهای دوست‌یابی نشان می‌دهد که نوبزرگ‌سالان برای شناخت خودشان و ترجیحات، و گزینه‌ها در درجه اول بر دوست‌یابی‌های خود تمرکز می‌کنند (Zimmer-Gembeck et al. 2012)، درحالی‌که کسانی که یک وضعیت هویتی به‌دست‌آمده دارند به‌دنبال تعهد و روابط بلندمدت‌اند (Montgomery 2005). علاوه‌براین، تعهدی روشن به هویت عشقی خود پیدا می‌کنند که با درک بیش‌تر و مثبت از روابط فعلی و سرمایه‌گذاری‌های ارتباطی همراه است (Acitelli et al. 1999) و رفتارهای مثبت، روابط مثبت، و اعتماد بیش‌تر کسب می‌کنند (Barry et al. 2009). چنین تحقیقی به‌وضوح نشان می‌دهد که دستاورد هویت فردی در عشق با شکل‌گیری روابط صمیمانه قوی ارتباط دارد

(Beyers and Seiffge-Krenke 2010)، که نشان‌دهنده افزایش اهمیت روابط بلندمدت است. پس از آن انتظار می‌رود که با احساس خودیابی نوبزرگسالان از نظر عشقی بیش‌تر متعهد به ایده ازدواج شوند، به ازدواج اهمیت بیش‌تری دهند، و زودتر ازدواج کنند.

هویت کار (حرفه‌ای): زمانی که نوبزرگسالان برنامه‌های زندگی آینده خود را تنظیم می‌کنند، ازدواج در جایگاه دوم قرار می‌گیرد (Willoughby and Carroll 2015). تحقیقات نشان می‌دهند بسیاری از نوبزرگسالان بر این باورند که پیشرفت تحصیلی و یافتن شغل بر ازدواج مقدم است (Carroll et al. 2009)، که این نشان‌دهنده وجود حسی قوی در میان نوبزرگسالان در مورد نیاز به یک حرفه پایدار قبل از ازدواج است. علاوه بر این، مطالعه دیگری نشان داد که نوبزرگسالان احساس می‌کردند حرفه آینده آن‌ها بیش‌تر در زندگی آینده‌شان نقش خواهد داشت تا همسرشان (Willoughby et al. 2015b). با این حال، نوبزرگسالانی که نقش اصلی خود را همسری و آن را مهم‌تر از حیطه شغلی می‌دانند زودتر از دیگر دوستان و همسالان خود ازدواج می‌کنند (Willoughby and Hall 2015). این یافته‌ها نشان می‌دهند که، برخلاف هویت عشق و ازدواج، هویت کار و افق‌های ازدواج، به جای آن که در کنار هم باشند، از یک‌دیگر جدا می‌شوند. پس اهمیت ازدواج به احتمال زیاد کم‌تر است و زمان‌بندی آن در جایگاه دوم پس از کار قرار می‌گیرد.

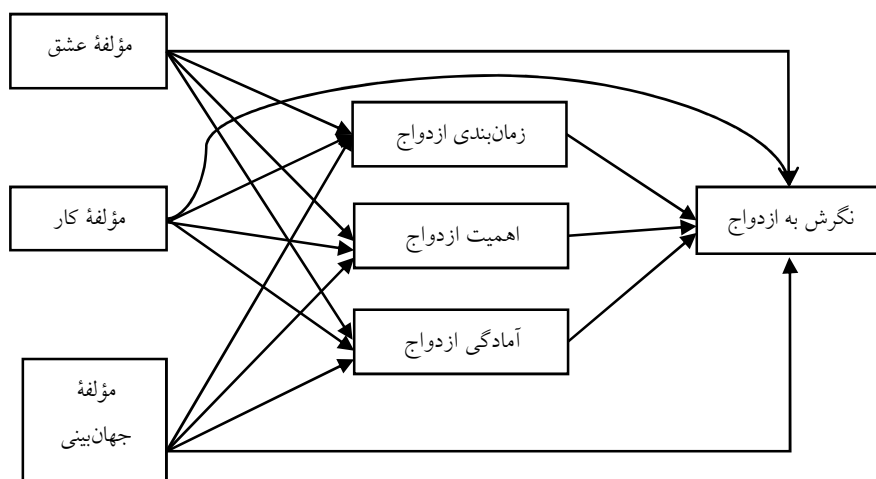
هویت جهانی‌بینی (ارزش‌ها): نوبزرگسالان دائم اشاره می‌کنند که «تصمیم‌گیری در مورد اعتقادات/ ارزش‌های شخص مستقل از والدین یا سایر تأثیرات»، و یکی از معیارهای برتر بزرگسالی است (Arnett 1998) که توسعه هویت جهانی را یکی از بالاترین ترجیحات نوبزرگسالان قرار می‌دهد. با این حال، درک این پی‌گیری در ارتباط با توسعه تمایلات ناقص است. تحقیقات پیشین افق‌های ازدواج نشان می‌دهند که نوبزرگسالان توسعه هویت جهان‌گرا را برای ازدواج ضروری می‌دانند (Carroll et al. 2009)، اما هیچ مطلبی به‌طور خاص تلاشی برای اتصال هویت جهانی با تشکیل تمایل انجام نداده است. توسعه هویت جهانی در میان نوبزرگسالان با پی‌گیری استقلال از دیگران و تکانه‌های فردی مشخص می‌شود (Arnett et al. 2000)، که با یک روند دارای تعهد کم‌تر به روابط و تأخیر در تشکیل رابطه جدی مشخص می‌شود (Dion and Dion 1991). در واقع، یک بیان بسیار «مستقل از تأثیرات دیگر» نمایان‌گر جدایی توسعه جهانی‌بینی از زمینه روابط است. اگر چنین است، پس شکل‌گیری توسعه جهانی‌بینی با تمرکز بر استقلال به احتمال زیاد به روند روبه عقب ازدواج منجر می‌شود.

آن مرحله از حیات که با نام ظهور نوبزرگ‌سالی و بلوغ شناخته شده است چند ویژگی دارد که دو خصوصیت اصلی آن دوره طولانی تشکیل هویت و تغییراتی در زمینه کسب تجربه است (Arnett 2000). گرچه عوامل شکل‌دهنده هویت در میان بالغان به‌خوبی مورد مطالعه قرار گرفته است، پژوهش‌گران هنوز در بررسی دیدگاه چگونگی شکل‌گیری تشابهات مدرن بین نوبزرگ‌سالان با محدودیت مواجه‌اند. یک کلید برای فهمیدن ارتباط فعلی بین شکل‌گیری هویت و شکل‌گیری تمایلات در میان نوبزرگ‌سالان در پژوهشی نهفته است که نشان می‌دهد می‌توان به‌سادگی ازدواج را به‌تعیق انداخت. به معنایی دیگر، هدف ازدواج در حال تغییر است و دیگر وظیفه‌ای اصلی برای تبدیل شدن به نوبزرگ‌سال به حساب نمی‌آید (Carroll et al. 2007; 2009; Willoughby et al. 2015a). اگر چنین باشد، پس ارتباط بین هویت و تمایل نیز ممکن است تغییر کند. درحالی‌که برخی تحقیقات نشان می‌دهد شکل‌گیری هویت و روابط نزدیک بین نوبزرگ‌سالان هنوز هم مرتبط است (Acitelli et al. 1999; Pittman et al. 2012; Zimmer-Gembeck et al. 2012) نیست تمایلات درازمدت در ازدواج با تشکیل هویت در میان نوبزرگ‌سالان مرتبط است یا خیر. علاوه‌براین، پژوهش‌گران پیش‌نهاد کرده‌اند، از آن‌جاکه ازدواج بخش مهمی از دوره نوبزرگ‌سالی نیست، به تمرکز بر تمایلات در باورها و نگرش‌ها در سمت روابط بلندمدت نیاز آینده نیست (Willoughby et al. 2015a). با این حال، تا به امروز، پژوهش‌های اندکی ارتباط بین شکل‌گیری هویت و باورهای روابط آینده مانند ازدواج را بررسی کرده‌اند (برای مثال، Belt 2016).

مطالعات قبلی نشان می‌دهند که سن و بلوغ جسمی و جنسی (Qian and Preston 1993)، محل زندگی افراد (Scheuble et al. 2012)، تأثیرات خانواده (Larson et al. 1998)، وضعیت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری (Locksley 1982)، تأثیرات والدین (Kerpelman and Schvaneveldt 1999)، فرهنگ و توانایی درک تفاوت‌ها (Anderson 1990)، در دسترس بودن همسر (Lichter et al. 1995)، و ترجیحات فردی (Mc Lanahan and Casper 1985) رغبت به ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهند (به نقل از Belt 2016).

بنابراین، هدف از این مطالعه پرکردن شکاف در تحقیقات موجود و رسیدن به این درک است که چگونه نوبزرگ‌سالان هویت خود را با تمایلات آینده‌شان ارتباط می‌دهند. به‌طور خاص، شکل‌گیری هویت در حوزه‌های عشق، کار، و جهان‌بینی مربوط به چگونگی زمان‌بندی نوبزرگ‌سالان و اهمیت ازدواج را بررسی می‌کند. لذا، باتوجه‌به

شکاف موجود و نتایج پژوهش‌های ذکر شده (به‌ویژه پژوهش Belt 2016)، مدلی که در شکل ۱ آمده پیش‌نهاد می‌شود.



شکل ۱. مدل پیش‌نهادی آثار مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت در نگرش به ازدواج با نقش میانجی مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج در دانشجویان دختر مجرد

مسئله اصلی در این پژوهش این است که آیا مدل پیش‌نهادی مربوط به آثار مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت در نگرش به ازدواج با نقش میانجی مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج در دانشجویان دختر مجرد برانزده داده‌هاست. براساس مدل فرض شده، ابعاد هویت، مستقیم و غیرمستقیم، از طریق مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج در نگرش به ازدواج تأثیر دارد. هم‌چنین، مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج مستقیماً در نگرش به ازدواج تأثیر می‌گذارند.

۲. روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر هم‌بستگی از نوع تحلیل ماتریس کواریانس یا هم‌بستگی است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه دانشجویان دختر مجرد مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های استان آذربایجان شرقی است که در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ در دانشگاه‌های این استان (دانشگاه‌های دولتی، واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی، و مراکز دانشگاه پیام نور) مشغول به تحصیل بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، از بین دانشجویان مجرد این دانشگاه‌ها، سی صد نفر دانشجوی دختر انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت.

برای انتخاب نمونه، پس از طی روند اداری لازم و اخذ مجوزهای مربوط، به دانشگاه‌های استان آذربایجان شرقی (دانشگاه‌های تبریز، علوم پزشکی تبریز، دانشگاه صنعتی سهند، واحدهای دانشگاه پیام نور، و واحدهای دانشگاه آزاد استان) مراجعه شد. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نمونه لازم از میان دانشجویان هر دانشگاه به‌طور مجزا انتخاب شد و پرسش‌نامه‌های پژوهش در اختیار آن‌ها قرار می‌گرفت. لازم است یادآوری شود که هرکدام از افرادی که واجد شرایط شرکت در پژوهش بودند (مجردبودن، دانشجوی تحصیلات تکمیلی بودن، نداشتن سابقه ازدواج) انتخاب می‌شدند. بر این اساس، سی صد دانشجوی دختر از دانشگاه‌های مذکور به پرسش‌نامه‌های پژوهش پاسخ دادند که در نهایت، پژوهش‌گر اطلاعات به‌دست‌آمده از آن‌ها را تجزیه و تحلیل کرد.

۳. ابزار پژوهشی

۱.۳ مقیاس نگرش و انتظارات از ازدواج (marital attitudes and expectations scale)

مقیاس نگرش و انتظارات از ازدواج (Park and Rosen 2012)، یک مقیاس ۳۶ ماده‌ای است که برای اندازه‌گیری سه مؤلفه قصد ازدواج (۳ ماده)، نگرش به ازدواج (۱۰ ماده)، و انتظارات از ازدواج (۲۳ ماده) در نظر گرفته شده و در ایران برای نخستین بار پژوهش‌گر آن‌ها را ترجمه و از آن‌ها استفاده کرد. شرکت‌کنندگان پاسخ خود را براساس طیف لیکرت هفت‌درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) بیان می‌کنند که برخی ماده‌ها به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. در پژوهش حاضر فقط از ده سؤال مربوط به خرده‌مقیاس نگرش به ازدواج استفاده شده است. دامنه نمرات از ۱۰ تا ۷۰ است و نمرات بالاتر نگرش مثبت‌تر به ازدواج را نشان می‌دهند. پارک و روزن (ibid.) پایایی سه خرده‌مقیاس این پرسش‌نامه را با روش آلفای کرونباخ به ترتیب برابر ۰/۹۱، ۰/۸۱، و ۰/۷۸ گزارش کردند. هم‌چنین، روایی سازه این مقیاس را با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی بررسی کردند که نتایج آن‌ها حاکی از روایی مناسب این مقیاس است. در پژوهش حاضر پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که برابر ۰/۹۰ به‌دست آمد.

۲.۳ پرسش‌نامه فرایند هویت فردی

برای اندازه‌گیری مؤلفه‌های هویت، از پرسش‌نامه ۳۲ سؤالی فرایند هویت فردی (Balistreri et al. 1995) استفاده شد. این پرسش‌نامه وضعیت هویت را براساس مدل مارسیا

(Marcia 1996) از طریق دو حوزهٔ اکتشاف و تعهد بررسی می‌کند. سطح اکتشاف چهار بعد ایدئولوژیک شامل کار، مذهب، سیاست، و ارزش‌ها را اندازه‌گیری و سطح تعهد چهار بعد بین‌فردی شامل خانواده، دوستی، نقش جنسیتی، و عشق را بررسی می‌کند. در پژوهش حاضر، دوازده مادهٔ مربوط به سه بعد هویت شامل عشق (روابط احساسی)، کار (حرفه)، و جهان‌بینی (ارزش‌ها) مورد استفاده قرار گرفت که نظر پاسخ‌دهندگان را در یک طیف لیکرت شش درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۶) اندازه‌گیری می‌کند. نمرهٔ بالا در هر کدام از خرده‌مقیاس‌ها نشان‌دهندهٔ هویت کسب‌شدهٔ بیش‌تر است. بِلِت (Belt 2016) در پژوهش خود ضریب پایایی این پرسش‌نامه را با روش آلفای کرونباخ برای سه مؤلفهٔ عشق (روابط احساسی)، کار، و جهان‌بینی (ارزش‌ها) به ترتیب برابر ۰/۵۱، ۰/۵۵، و ۰/۶۰ به دست آورد. پیس و زاپولا (Pace and Zappulla 2009) در پژوهش خود ضریب پایایی ابعاد این پرسش‌نامه را با روش آلفای کرونباخ در دامنه‌ای بین ۰/۸۰ تا ۰/۸۶ محاسبه کردند. هم‌چنین، پلرون و همکارانش (Pellerone et al. 2017) در پژوهش خود ضریب پایایی ابعاد این پرسش‌نامه را با روش آلفای کرونباخ مطلوب ارزیابی کردند. مورسونبول و آتاک (Morsünbül and Atak 2013) این ضریب را با روش آلفای کرونباخ در دامنه‌ای بین ۰/۶۲ تا ۰/۷۳ محاسبه کردند. هم‌چنین، روایی هم‌زمان این پرسش‌نامه را در دامنه‌ای بین ۰/۸۴ تا ۰/۸۷ به دست آوردند. امینی (۱۳۹۱) در پژوهش خود ضریب پایایی این پرسش‌نامه را با روش آلفای کرونباخ مطلوب ارزیابی کرد. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی این پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ برای سه خرده‌مقیاس به ترتیب برابر ۰/۸۳، ۰/۷۹، و ۰/۸۸ به دست آمد.

۳.۳. مقیاس اهمیت ازدواج

این مقیاس را بِلِت (Belt 2016) ساخته و شامل چهار ماده است و برای اندازه‌گیری مؤلفهٔ اهمیت ازدواج از مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج به کار می‌رود. این مقیاس اهمیت ازدواج را از نظر آزمودنی در یک طیف لیکرت شش درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۶) اندازه‌گیری می‌کند که نمره‌گذاری یکی از ماده‌های آن نیز به صورت معکوس صورت می‌گیرد. نمرهٔ بالاتر در این مقیاس نشان‌دهندهٔ بیش‌تر بودن اهمیت ازدواج در نظر آزمودنی است. بِلِت (ibid.) پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۰ محاسبه کرد. این مقیاس برای اولین بار در ایران ترجمه شد و در پژوهش حاضر

مورد استفاده قرار گرفت که ضریب پایایی این مقیاس نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۸ به دست آمد.

۴.۳ مقیاس سن موردانتظار ازدواج

مقیاس سن موردانتظار ازدواج را ویلوغبی (Willoughby 2014) ساخته و شامل دو ماده است که نظر افراد را در مورد زمان یا سن موردنظرشان برای ازدواج می‌سنجد. این مقیاس از فرد می‌خواهد حداقل و حداکثر سن موردانتظار برای ازدواج خود را بنویسد. سپس میانگین سن حداقل و حداکثر ذکر شده توسط آزمودنی سن موردانتظار ازدواج در نظر گرفته خواهد شد.

۵.۳ مقیاس آمادگی ازدواج

مقیاس آمادگی ازدواج را نیز جانسون و همکارانش (Johnson et al. 2011) ساخته‌اند. این مقیاس شامل یک ماده است که نظر افراد را در این باره جویا می‌شود که آیا در شرایط فعلی خود را برای ازدواج آماده می‌بینند یا خیر. این مقیاس از فرد می‌پرسد که آیا در حال حاضر آمادگی ازدواج دارد یا خیر. سپس پاسخ او در دامنه بین ۱ (اصلاً آماده نیستم) تا ۱۰ (کاملاً آماده‌ام) ابراز خواهد شد.

در این پژوهش، ابتدا روش‌های آمار توصیفی مانند میانگین، انحراف استاندارد، و هم‌بستگی پیرسون با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ انجام شد. پس از آن تحلیل‌های پیچیده‌تر از طریق تحلیل مسیر (PA) برای ارزیابی مدل فرضی با استفاده از نرم‌افزار AMOS نسخه هجدهم به کار گرفته شد. در این مدل داده‌ها به صورت ماتریس‌های کواریانس یا هم‌بستگی درمی‌آید و یک مجموعه معادلات رگرسیون بین متغیرها تدوین می‌شود. برای ارزش‌یابی و مقایسه برازندگی کلی مدل تحلیل مسیر از چند شاخص استفاده شد: (۱) مجذور کای (χ^2) و ارزش $P < /0.05$ ؛ (۲) نسبت مجذور کای (χ^2) به درجه آزادی؛ (۳) شاخص نیکویی برازش (goodness of fit index [GFI])؛ (۴) شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (adjusted goodness of fit index [AGFI])؛ (۵) شاخص برازندگی مقایسه‌ای (comparative fit index [CFI])؛ (۶) شاخص برازندگی افزایشی (incremental fit index [IFI])؛ (۷) شاخص بتلر - بونت یا شاخص نرم‌شده برازندگی (normalized fit index [NFI])؛ (۸) شاخص تاکر - لویز (Tucker-Lewis index [TLI])؛ و (۹) ریشه خطای تقریب میانگین مجذورات (root mean squared error of approximation [RMSEA]).

۴. یافته‌های پژوهش

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
مؤلفه عشق	۱۴/۹۴	۲/۸۱
مؤلفه کار	۱۶/۹۱	۳/۲۱
مؤلفه جهان‌بینی	۱۵/۷۹	۲/۹۵
مؤلفه زمان‌بندی ازدواج	۲۷/۶۹	۲/۷۷
مؤلفه اهمیت ازدواج	۱۴/۵۳	۵/۳۴
مؤلفه آمادگی ازدواج	۵/۴۹	۲/۶۹
نگرش به ازدواج	۴۵/۳	۹/۳۵

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنی‌ها در نگرش به ازدواج به ترتیب ۲۷/۰۴ و ۸/۸۳ است. همچنین، میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنی‌ها در سایر متغیرها نیز مشاهده می‌شود. جدول ۲ ضرایب هم‌بستگی بین متغیرهای مختلف پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ضرایب هم‌بستگی بین متغیرهای پژوهش در کل آزمودنی‌ها

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	مؤلفه عشق	-	۰/۲۹۳	۰/۲۴۰	۰/۱۹۹	۰/۴۶۱	۰/۳۱۹	۰/۴۹۷
۲	مؤلفه کار	-	-	۰/۲۸۲	۰/۲۳۳	۰/۲۳۰	۰/۲۶۸	۰/۲۰۴
۳	مؤلفه جهان‌بینی	-	-	-	۰/۰۰۲	۰/۴۴	۰/۲۲۱	۰/۴۷۹
۴	مؤلفه زمان‌بندی ازدواج	-	-	-	-	-۰/۱۸۳	۰/۰۲۶	-۰/۱۴۴
۵	مؤلفه اهمیت ازدواج	-	-	-	-	-	۰/۵۰۵	۰/۸۷۳
۶	مؤلفه آمادگی ازدواج	-	-	-	-	-	-	۰/۴۵۹
۷	نگرش به ازدواج	-	-	-	-	-	-	-

لازم است یادآوری شود همه ضرایب هم‌بستگی ذکر شده بین متغیرها (به‌جز رابطه بین مؤلفه زمان‌بندی ازدواج با مؤلفه آمادگی ازدواج)، سایر ضرایب در سطح $P < 0/05$ معنادارند. همان‌طور که در ابتدا ذکر شد، در پژوهش حاضر، با توجه به مطالعات گذشته، برای بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت در نگرش به ازدواج با نقش میانجی مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج یک مدل مفهومی پیش‌نهاد شد. برای ارزیابی الگوی پیش‌نهادی، بخش ساختاری الگو با استفاده از الگویابی معادلات ساختاری (SEM) با برآورد حداکثر درست‌نمایی (ML) برآورد گردید. پیش از بررسی ضرایب ساختاری، برازندگی الگوی اصلی بررسی شد. برای تعیین کفایت برازندگی الگوی پیش‌نهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی مورداستفاده قرار گرفت. با وجود این که مقادیر برخی شاخص‌های برازندگی حاکی از برازش نسبتاً خوب الگوی اولیه با داده‌ها بودند، نتایج نشان می‌دادند که الگوی اصلی نیاز به بهبود دارد. در گام بعد، برازندگی الگوی اصلی از طریق حذف سه مسیر (الگوی نهایی) ارتقا یافت. با حذف این مسیرها، تناسب مدل به‌صورت معناداری افزایش یافت.

جدول ۳. برازش الگوهای پیش‌نهادی و نهایی با داده‌ها براساس شاخص‌های برازندگی

RMSEA	NFI	CFI	TLI	IFI	AGFI	GFI	χ^2/df	df	χ^2	
۰/۳۱	۰/۸۶۴	۰/۸۶۵	۰/۰۵۳	۰/۸۶۳	۰/۳۱۵	۰/۹۲۷	۲۹/۸۷	۳	۸۹/۶۲	الگوی پیش‌نهادی
۰/۰۳۷	۰/۹۹۱	۰/۹۹۱	۰/۹۸۷	۰/۹۹۸	۰/۹۶۳	۰/۹۹۵	۱/۴	۴	۵/۶۲	الگوی نهایی

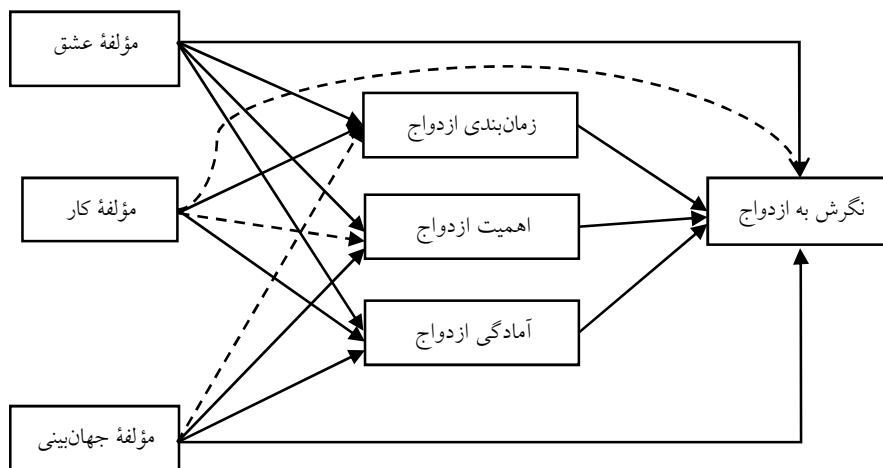
همان‌گونه که در جدول ۳ آمده است، با توجه به شاخص‌های برازندگی به‌ویژه نسبت مجذور کای به درجه آزادی برابر ۱/۴، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر ۰/۹۹۵، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌یافته (AGFI) برابر ۰/۹۶۳، شاخص برازندگی مقایسه‌ای (CFI) برابر ۰/۹۹۱، ریشه خطای تقریب میانگین مجذورات (RMSEA) برابر ۰/۰۳۷، شاخص برازندگی افزایشی (IFI) برابر ۰/۹۹۸، و شاخص برازش هنجار شده (NFI) برابر ۰/۹۹۱، مدل ساختاری برازندگی خوبی دارد و همه روابط ساختاری موجود در مدل نهایی در سطح $P < 0/05$ معنادارند. ضرایب مسیر در مدل پیش‌نهادی و مدل نهایی در جدول ۴ آمده است.

بررسی تأثیر ابعاد هویت فردی در نگرش به ازدواج با میانجی‌گری مؤلفه‌های افق ازدواج ... ۱۵

جدول ۴. مسیرها و ضرایب استاندارد مربوط به تأثیرات مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل نهایی

مدل نهایی		مدل پیش‌نهادی		مسیر
P	β	P	β	
۰/۰۱	۰/۱۴	۰/۰۰۶	۰/۱۶	مؤلفه عشق به مؤلفه زمان‌بندی ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۲۰۱	۰/۰۰۱	۰/۲۱۴	مؤلفه کار به مؤلفه زمان‌بندی ازدواج
-	-	۰/۰۸۵	-۰/۱۰۱	مؤلفه جهان‌بینی به مؤلفه زمان‌بندی ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۳۸۷	۰/۰۰۱	۰/۳۷	مؤلفه عشق به مؤلفه اهمیت ازدواج
-	-	۰/۶۴	۰/۰۲۳	مؤلفه کار به مؤلفه اهمیت ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۳۳۴	۰/۰۰۱	۰/۳۵	مؤلفه جهان‌بینی به مؤلفه اهمیت ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۲۴۶	۰/۰۰۱	۰/۲۴۳	مؤلفه عشق به مؤلفه آمادگی ازدواج
۰/۰۰۴	۰/۱۵۱	۰/۰۰۴	۰/۱۶۳	مؤلفه کار به مؤلفه آمادگی ازدواج
۰/۰۰۳	۰/۱۲۰	۰/۰۳۹	۰/۱۱۷	مؤلفه جهان‌بینی به مؤلفه آمادگی ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۱۹۵	۰/۰۰۱	۰/۲۰۳	مؤلفه عشق با نگرش به ازدواج
-	-	۰/۳۲	-۰/۰۳۸	مؤلفه کار با نگرش به ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۱۷۰	۰/۰۰۱	۰/۱۸۱	مؤلفه جهان‌بینی با نگرش به ازدواج
۰/۰۲۵	-۰/۰۸۴	۰/۰۳۴	-۰/۰۷۷	مؤلفه زمان‌بندی ازدواج با نگرش به ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۵۵۰	۰/۰۰۱	۰/۵۶۸	مؤلفه اهمیت ازدواج با نگرش به ازدواج
۰/۰۳۶	۰/۰۸۵	۰/۰۱۵	۰/۰۹۲	مؤلفه آمادگی ازدواج با نگرش به ازدواج

براساس نتایج نشان‌داده‌شده در جدول ۴، همه ضرایب مسیر مربوط به مدل نهایی معنی دارند. هم‌چنین، همان‌طور که گفته شد، مسیرهای غیرمعنی‌دار از مدل نهایی حذف شدند.



شکل ۲. الگوی نهایی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت در نگرش به ازدواج با نقش میانجی مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج

همان‌گونه که در مدل نهایی مشاهده می‌شود، مؤلفه عشق، هم مستقیم و هم غیرمستقیم، از طریق سه مؤلفه افق ازدواج با نگرش به ازدواج رابطه دارد، اما مؤلفه کار فقط به صورت غیرمستقیم و از طریق مؤلفه زمان‌بندی ازدواج و مؤلفه آمادگی ازدواج با نگرش به ازدواج رابطه دارد. از سوی دیگر، مؤلفه جهان‌بینی هم مستقیم و غیرمستقیم از طریق مؤلفه اهمیت ازدواج و مؤلفه آمادگی ازدواج موجب بهبود نگرش به ازدواج می‌شود. مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج نیز مستقیماً با نگرش به ازدواج ارتباط دارند.

برای بررسی روابط واسطه‌ای بین متغیرهای پژوهش از روش بوت‌استرپ (bootstrapping method) استفاده شد. این یکی از روش‌های نمونه‌گیری مکرر و شامل ترسیم تعداد زیادی نمونه با جای‌گشت از نمونه اصلی است. با توجه به شکل ۲ و با استناد به ضرایب استاندارد ذکر شده مسیرها، نتایج آزمون برای مسیرهای غیرمستقیم پژوهش، در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. نتایج بوت‌استرپ و معنی‌داری مسیرهای غیرمستقیم

مسیر	مقدار بوت‌استرپ	حد پایین	حد بالا	سطح معنی‌داری
مؤلفه عشق به زمان‌بندی ازدواج با نگرش به ازدواج	۰/۱۲۴	۰/۲۱۴	۰/۰۵۲	۰/۰۰۹
مؤلفه کار به زمان‌بندی ازدواج با نگرش به ازدواج	۰/۱۴۵	۰/۲۴۵	۰/۰۷۶	۰/۰۰۵
مؤلفه جهان‌بینی به زمان‌بندی ازدواج با نگرش به ازدواج	۰/۰۷۵	۰/۰۰۷	۰/۱۶۲	۰/۰۰۶
مؤلفه عشق به اهمیت ازدواج با نگرش به ازدواج	۰/۷۶۵	۰/۵۹۶	۰/۹۳۱	۰/۰۰۷
مؤلفه کار به اهمیت ازدواج با نگرش به ازدواج	۰/۰۴۲	۰/۰۹۸	۰/۱۹۲	۰/۰۴۹
مؤلفه جهان‌بینی به اهمیت ازدواج با نگرش به ازدواج	۰/۶۹	۰/۵۲۷	۰/۹۱۳	۰/۰۰۵
مؤلفه عشق به آمادگی برای ازدواج با نگرش به ازدواج	۰/۲۲۶	۰/۱۳۸	۰/۳۳۱	۰/۰۰۶
مؤلفه کار به آمادگی برای ازدواج با نگرش به ازدواج	۰/۱۳۳	۰/۰۶۸	۰/۲۳	۰/۰۰۳
مؤلفه جهان‌بینی به آمادگی برای ازدواج با نگرش به ازدواج	۰/۱۰۴	۰/۰۲۶	۰/۲۲۴	۰/۰۲۶

نتایج مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهد نتیجه بوت‌استرپ برای همه مسیرهای غیرمستقیم (به جز دو مسیر که با رنگ قرمز مشخص شده‌اند) در دامنه بین حد پایین و بالای فاصله اطمینان قرار گرفت. سطح معنی‌داری به دست آمده ($P < ۰/۰۵$) حاکی از معنی‌دار بودن مسیرهای غیرمستقیم در مدل نهایی است. لازم است یادآوری شود که مسیر غیرمستقیم مؤلفه جهان‌بینی به زمان‌بندی ازدواج با نگرش به ازدواج و مسیر مؤلفه کار به اهمیت ازدواج به نگرش به ازدواج غیرمعنی‌دار بود که در مدل نهایی پژوهش حذف شد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش‌های اخیر در زمینه ازدواج شواهدی را دال بر این ارائه می‌دهد که ابعاد هویت فردی نقش مهمی در نگرش به ازدواج دختران دارد. هدف پژوهش حاضر بررسی یک مدل مفهومی در مورد تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت در نگرش به ازدواج با نقش میانجی مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج در دانشجویان دختر مجرد تحصیلات تکمیلی بود. براساس مدل فرض شده، ابعاد هویت مستقیم و غیرمستقیم از طریق مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج در نگرش به ازدواج تأثیر دارد. همچنین، مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج مستقیماً در نگرش به ازدواج تأثیر دارد.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر حاکی از تأیید اثر مستقیم و غیرمستقیم مؤلفه عشق از طریق سه مؤلفه افق ازدواج (زمان‌بندی ازدواج، اهمیت ازدواج، و آمادگی برای ازدواج) با نگرش به ازدواج بود. این یافته هماهنگ با برخی یافته‌ها (Barry et al. 2009; Belt 2016; Zimmer-Gembeck et al. 2012; Montgomery 2005) است. طبق تحقیقات انجام شده، هویت بحران‌زده و سردرگم کم‌ترین میزان سازگاری را در انواع منزلت‌های هویتی نشان می‌دهد (Fadjukoff 2007). بایرز و سیفگه - کرنکه (Beyers and Seiffge-Krenke 2010) نشان دادند موفقیت در هویت عشقی با دیدگاه مرکزی در مورد ازدواج که در زمان‌بندی قبل از ازدواج دیده می‌شود سازگار است و اهمیت بیش‌تر ازدواج در مقایسه با هم‌سالانی که کم‌تر اهمیت می‌دهند مشهود است. در تبیین این یافته می‌توان گفت شکل‌گیری هویت و نقش برقراری روابط صمیمی آن در ازدواج اهمیت ویژه‌ای دارد. هم‌چنان‌که نوبزرگ‌سالان در جست‌وجوی تکامل هویت عشق و روابط صمیمانه خودند و شروع می‌کنند به برقراری روابط جدی‌تر با جنس مقابل، نگرش آنان به ازدواج نیز در حال شکل‌گیری است. نگرش به ازدواج نشان‌دهنده احساسات و تمایلات افراد، پیش‌داوری‌ها یا سوگیری‌ها، تصورات پیشین، ترس‌ها، و عقاید راسخ آن‌ها در مورد ازدواج است. بنابراین، نگرش هر فرد به ازدواج در بردارنده فکر و احساس او در مورد ازدواج است. حال، اگر هویت عشق در افراد تکامل یافته‌تر باشد و فرد در مورد این‌که چه نوع رابطه دوستی‌ای برای وی مناسب است بررسی‌های لازم درباره برقراری رابطه را انجام دهد و به اطمینان برسد یا در واقع خود را به شناخت روابط صمیمانه و ازدواج متعهد و در آن درگیر کند و ازدواج را رابطه‌ای محکم و پایدار بداند، نگرش مثبت‌تری به ازدواج خواهد داشت. از سوی دیگر، هویت عشق شکل یافته می‌تواند بر افق ازدواج فرد اثر بگذارد و آن را واضح‌تر، نزدیک‌تر، و بااهمیت‌تر نمایان کند.

درواقع، چنین دخترانی زمان‌بندی مناسبی را برای ازدواج خود در نظر می‌گیرند، ازدواج را بااهمیت‌تر می‌شمرند، و احتمالاً خود را برای ازدواج و تشکیل خانواده آماده‌تر می‌دانند.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر حاکی از تأیید اثر غیرمستقیم مؤلفه کار از طریق دو مؤلفه افق ازدواج (زمان‌بندی ازدواج و آمادگی ازدواج) با نگرش به ازدواج بود. این یافته هماهنگ با یافته Belt (2016) است. احساس هویت به فرایندی اشاره دارد که در آن افراد هویت خویش را پایه‌ریزی می‌کنند یا احساسی از خود به‌دست می‌آورند (Erikson 1950). امروزه هویت شغلی در جوامع پیشرفته بسیار موردتوجه قرار گرفته است و به‌نظر می‌رسد ایجاد هویتی قوی، خودخواسته، مثبت، و منعطف ممکن است به موفقیت شغلی، سازگاری اجتماعی، و سلامت روانی منجر شود (Schwartz 2011).

هویت شغلی افراد درواقع به مفهومی اشاره دارد که افراد جامعه بر مبنای شغلشان از خود دارند و ترکیبی است از هویت‌های سازمانی و حرفه‌ای و دیگر وجوهی از یک شغل که بخش قابل‌توجهی از نقشی را تعیین می‌کند که فرد در اجتماع ایفا می‌کند (شاوردی و حیدری ۱۳۹۵). شغل از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین وجوه زندگی افراد است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتارها و اخلاق افراد جامعه داشته باشد. گروه‌های شغلی و اخلاق حرفه‌ای حاکم بر هر گروه، میزان پررنگی و یا کم‌رنگی مرزهای میان هر گروه شغلی با دیگر گروه‌ها، کیفیت‌های لازم برای کسب آن شغل، و... همه عواملی هستند که می‌توانند در شدت اثرگذاری شغل بر هویت افراد و تعریفی که از خود بر مبنای شغلشان دارند سهم داشته باشند. در جامعه امروز ما سطح تحصیلات دانشگاهی دختران رو به گسترش است و بنابر آمارهای حاضر، تعداد دانشجویان دختر از دانشجویان پسر بیشتر است، اما هم‌چنان مشکلات مربوط به اشتغال و هویت شغلی در زنان مسئله‌ای مهم و پابرجا مانده است. موفقیت در کسب هویت شغلی نشان می‌دهد که فرد در پی یافتن شغل مناسب است، علائق شغلی و حرفه‌ای خود را می‌شناسد، و حاضر است برای یافتن شغل مناسب آموزش‌ها و تخصص‌های لازم را فراگیرد. بنابراین، چنین افرادی که از نظر هویت شغلی و حرفه‌ای در سطح مطلوب‌تری قرار دارند، باتوجه به جنبه اقتصادی و مالی ازدواج، زمان‌بندی مناسب برای ازدواج خود را براساس وضعیت شغلی‌شان تنظیم می‌کنند و آمادگی لازم برای ازدواج را در خود می‌بینند. بنابراین نگرش مثبت‌تری به ازدواج خواهند داشت.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر حاکی از تأیید اثر مستقیم و غیرمستقیم مؤلفه جهان‌بینی از طریق دو مؤلفه افق ازدواج (اهمیت ازدواج و آمادگی برای ازدواج) با نگرش به ازدواج

بود. این یافته هماهنگ با برخی یافته‌ها (Barry et al. 2009; Montgomery 2005; Zimmer-Gembeck et al. 2012; Belt 2016) است. ورود به بزرگسالی با شکل‌گیری جهان‌بینی و مشخص‌شدن ارزش‌های فردی و گروهی همراه است. شکل‌گیری و گسترش جهان‌بینی نوبزرگسالان با پی‌گیری استقلال از دیگران و تکانه‌های فردی مشخص می‌شود (Arnett et al. 2001). شکل‌گیری هویت و دست‌یابی به تعریفی منسجم از خود مهم‌ترین جنبه رشد روانی و اجتماعی انسان است. انتخاب ارزش‌ها، باورها، و اهداف زندگی مهم‌ترین مشخصه‌های اصلی هویت را در دوره‌های نوجوانی و جوانی شکل می‌دهند. در مطالعه شخصیت انسان، هویت جنبه اساسی و درونی است که به کمک آن فرد با گذشته خود ارتباط می‌یابد و در زندگی احساس تداوم و یکپارچگی می‌کند. شکل‌گیری هویت هم‌چنین ترکیبی از مهارت‌ها، جهان‌بینی، و همانندسازی‌های دوران کودکی است که به صورت یک کل کم‌وبیش منسجم، پیوسته، و منحصر به فرد درمی‌آید و برای فرد، حس تداوم گذشته و جهت‌گیری به سوی آینده را فراهم می‌سازد. هرچه فرد به ارزش‌هایی که از تولد تا بزرگسالی کسب کرده آگاهی بیش‌تری داشته باشد و آن‌ها را مناسب خود ببیند یا در واقع جهان‌بینی پایدارتر و متناسب‌تری با ارزش‌های خود داشته باشد، به برقراری رابطه و تشکیل خانواده یا ازدواج نگرش مثبت‌تری خواهد داشت. از سوی دیگر، اهمیت ازدواج را بیش‌تر درک می‌کند و خود را برای ازدواج آماده می‌داند.

به‌طور کلی، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که شکل‌گیری هویت با نقشی که بسیاری از نوبزرگسالان از ازدواج انتظار دارند هماهنگ است. مهم‌ترین محدودیت پژوهش حاضر این است که از روابط به‌دست‌آمده بین متغیرها می‌توان برای استنباط روابط علی استفاده کرد. محدودیت دیگر این‌که همه ابعاد هویت در این پژوهش مورد مطالعه قرار نگرفت. هم‌چنین تعمیم نتایج به گروه پسران یا افراد غیردانشجو باید با احتیاط صورت گیرد. یکی دیگر از محدودیت‌های مهم این مطالعه ماهیت مقطعی مدل است که امکان استنتاج قطعی از نتایج را فراهم نمی‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که افق‌های ازدواج و وضعیت‌های هویتی ایستا نیستند (Willoughby 2010). بنابراین، برای ارزیابی کامل این روابط در نوبزرگسالان، لازم است در پژوهش‌های آتی به صورت طولی تغییرات در افق ازدواج با تغییر در وضعیت شکل‌گیری هویت بررسی شود. هم‌چنین، پیش‌نهاد می‌شود نمونه‌های دیگر به‌ویژه افراد غیردانشجو و تفاوت‌های جنسیتی نیز مورد پژوهش قرار گیرند.

کتاب‌نامه

- آزاد فلاح، پرویز و دیگران (۱۳۸۷)، «راه‌کارهای علمی و اجرایی برای حل فاصله بین بلوغ و ازدواج: شناسایی موانع ازدواج و راه‌کارهای تسهیل آن»، در: مجموعه مقالات نخستین جشنواره ملی خانواده‌پژوهی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- امینی، مرضیه (۱۳۹۱)، رابطه سبک‌های دل‌بستگی و انسجام خانواده با هویت در دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان گچساران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرودشت: دانشکده روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی.
- شاوردی، ته‌مین و حسن حیدری (۱۳۹۵)، «تحلیل و بررسی هویت شغلی با تأکید بر شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های آن»، فصل‌نامه مشاوره شغلی و سازمانی، س ۸، ش ۴.
- Acitelli, L. K., S. Rogers, and C. R. Knee (1999), "The Role of Identity in the Link between Relationship Thinking and Relationship Satisfaction", *Journal of Social and Personal Relationships*, vol. 16, no. 5.
- Adamczyk, K. (2017), "Direct and Indirect Effects of Relationship Status through Satisfaction with Relationship Status and Fear of Being Single on Polish Young Adults' Well-Being", *Personality and Individual Differences*, vol. 111.
- Arnett, J. J. (1998), "Learning to Stand Alone: The Contemporary American Transition to Adulthood in Cultural and Historical Context", *Human Development*, vol. 41, no. 5-6.
- Arnett, J. J. (2000), "Emerging Adulthood: A Theory of Development from the Late Teens through the Twenties", *American Psychologist*, vol. 55, no. 5.
- Arnett, J. J., K. D. Ramos, and L. A. Jensen (2001), "Ideological Views in Emerging Adulthood: Balancing Autonomy and Community", *Journal of Adult Development*, vol. 8, no. 2.
- Balistreri, E., N. A. Busch-Rossnagel, and K. F. Geisinger (1995), "Development and Preliminary Validation of the Ego Identity Process Questionnaire", *Journal of Adolescence*, vol. 18, no. 2.
- Barry, C. M. et al. (2009), "Friendship and Romantic Relationship Qualities in Emerging Adulthood: Differential Associations with Identity Development and Achieved Adulthood Criteria", *Journal of Adult Development*, vol. 16, no. 4.
- Belt, D. A. (2016), *Looking at the Marital Horizons of Emerging Adults through the Lens of Identity Formation*, Brigham Young University.
- Beyers, W. and I. Seiffge-Krenke (2010), "Does Identity Precede Intimacy? Testing Erikson's Theory on Romantic Development in Emerging Adults of the 21st Century", *Journal of Adolescent Research*, vol. 25, no. 3.
- Boyce, C. J. et al. (2017), "How do Personality and Social Structures Interact with Each Other to Predict Important Life Outcomes? The Importance of Accounting for Personality Change", *European Journal of Personality*, vol. 42, no. 4.
- Brateen, E. and L. A. Rosen (1998), "Development and Validation of the Marital Attitude Scale", *Journal of Divorce and Remarriage*, vol. 29, no. 3.

- Brown, S. L. et al. (2006), "Links between Premarital Cohabitation and Subsequent Marital Quality, Stability, and Divorce: A Comparison of Covenant Versus Standard Marriages", *Social Science Research*, vol. 35, no. 1.
- Carey, K. M. (2005), *Effects of Childhood Family Environment on Marital Attitudes*, M. A. Dissertation, Truman State University.
- Carlson, D. L. (2012), "Deviations from Desired Age at Marriage: Mental Health Differences across Marital Status", *Journal of Marriage and Family*, vol. 74, no. 4.
- Carroll, J. S. et al. (2007), "So Close, Yet so Far away: The Impact of Varying Marital Horizons on Emerging Adulthood", *Journal of Adolescent Research*, vol. 22, no. 3.
- Carroll, J. S. et al. (2009), "Ready or not? Criteria for Marriage Readiness among Emerging Adults", *Journal of Adolescent Research*, vol. 24, no. 3.
- Claxton, A. et al. (2013), "Personality Traits and Marital Satisfaction within Enduring Relationships: An Intra-Couple Discrepancy Approach", *Journal of Social and Personal Relationships*, vol. 29, no. 3.
- Crocetti, E. et al. (2012), "Correlates of Identity Configurations & Three Studies with Adolescent and Emerging Adult Cohorts", *Journal of Youth Adolescence*, vol. 41, no. 6.
- Dion, K. K. and K. L. Dion (1991), "Psychological Individualism and Romantic Love", *Journal of Social Behavior and Personality*, vol. 6, no. 1.
- Erikson, E. H. (1950), *Childhood and Society*, New York: W. W. Norton & Company.
- Fadjukoff, P. (2007), *Identity Formation in Adulthood*, Academic Dissertation, University of Jyväskylä Finland.
- Freeman, H. and B. B. Brown (2001), "Primary Attachment to Parents and Peers during Adolescence, Differences by Attachment Style", *Journal of Youth and Adolescence*, vol. 30, no. 6.
- Jonsson, F. H. et al. (2000), "Parental Divorce: Long-Term Effects on Mental Health, Family Relations and Adult Sexual Behavior", *Journal of Psychology*, vol. 41, no. 2.
- Johnson, M. D., J. R. Anderson, and S. M. Stith (2011), "An Application of Marital Horizon Theory to Dating Violence Perpetration", *Family Science Review*, vol. 16, no. 2.
- Kennedy, S. and L. Bumpass (2011), "Cohabitation and Trends in the Structure and Stability of Children's Family Lives", Paper Presented at the Annual Meeting of the Population Association of America, Washington DC.
- Manning, W. D., S. L. Brown, and K. K. Payne (2014), "Two Decades of Stability and Change in Age at First Union Formation", *Journal of Marriage and Family*, vol. 76, no. 2.
- Marcia, J. E. (1966), "Development and Validation of Ego-Identity Status", *Journal of Personality and Social Psychology*, vol. 3, no. 5.
- Mikulincer, M. and P. R. Shaver (2007), *Attachment in Adulthood: Structure, Dynamics, and Change*, New York: The Guilford Press.
- Montgomery, M. J. (2005), "Psychosocial Intimacy and Identity: From Early Adolescence to Emerging Adulthood", *Journal of Adolescent Research*, vol. 20, no. 3.
- Morsünbül, Ü. and H. Atak (2013), "Validity and Reliability Study of the Turkish Version of Ego Identity Process Questionnaire", *Educational Sciences: Theory and Practice*, vol. 13, no. 4.

- Mullis, A. K. et al. (2007), "Relations among Parental Divorce, Identity Status, and Coping Strategies of College Age Women", *An International Journal of Theory and Research*, vol. 7, no. 2.
- Neufeldt, V. and D. G. Guranlik (1988), *Webster's New World Dictionary* (3rd edition), New York: Simon & Schuster.
- Pace, U. and C. Zappulla (2009), "Identity Processes and Quality of Emotional Autonomy: The Contribution of Two Developmental Tasks on Middle-Adolescents' Subjective Well-Being", *An International Journal of Theory and Research*, vol. 9, no. 4.
- Pellerone, M. et al. (2017), "Identity Development, Parenting Styles, Body Uneasiness, and Disgust toward Food a Perspective of Integration and Research", *Clinical Neuropsychiatry*, vol. 14, no. 4.
- Pittman, J. F. et al. (2012), "Identity Exploration in the Dating Domain: The Role of Attachment Dimensions and Parenting Practices", *Journal of Adolescence*, vol. 35, no. 6.
- Rao, S. L. (2017), "Marital Adjustment and Depression among Couples", *The International Journal of Indian Psychology*, no. 4.
- Risch, S. C., K. M. Jodl, and J. S. Eccles (2004), "Role of the Father-Adolescent Relationship in Shaping Adolescent's Attitude toward Divorce", *Journal of Marriage and Family*, vol. 66, no. 1.
- Salmela-Aro, K., K. Aunola, and J.-E. Nurmi (2007), "Personal Goals during Emerging Adulthood: A 10-Year Follow up", *Journal of Adolescent Research*, vol. 22, no. 6.
- Schramm, D. G. et al. (2012), "Religiosity, Homogamy, and Marital Adjustment: An Examination of Newlyweds in First Marriages and Remarriages", *Journal of Family Issues*, vol. 33, no. 2.
- Schwartz, S. J. (2011), "The Evolution of Eriksonian and Neo-Eriksonian Identity Theory and Research: A Review and Integration, an International", *Journal of Theory and Research*, vol. 1, no. 1.
- Vespa, J. (2014), "Historical Trends in the Marital Intentions of One-Time and Serial Cohabitors", *Journal of Marriage and Family*, no. 76.
- Willoughby, B. J. (2010), "Marital Attitude Trajectories across Adolescence", *Journal of Youth and Adolescence*, vol. 39, no. 11.
- Willoughby, B. J. (2010), "Marital Attitude Trajectories across Adolescence", *Journal of Youth & Adolescence*, vol. 39, no. 11.
- Willoughby, B. J. (2014), "Using Marital Attitudes in Late Adolescence to Predict Later Union Transitions", *Journal of Youth and Adolescence*, no. 46.
- Willoughby, B. J. and J. S. Carroll (2015), "On the Horizon: Marriage Timing, Beliefs, and Consequences in Emerging Adulthood", J. J. Arnett (ed.), *The Oxford Handbook of Emerging Adulthood*, New York: Oxford University Press.
- Willoughby, B. J. and S. S. Hall (2015), "Enthusiasts, Delayers, and the Ambiguous Middle: Marital Paradigms among Emerging Adults", *Emerging Adulthood*, vol. 3, no. 2.
- Willoughby, B. J., S. S. Hall, and S. Goff (2015b), "Marriage Matters But How Much? Marital Centrality among Young Adults", *Journal of Psychology*, no. 149.

بررسی تأثیر ابعاد هویت فردی در نگرش به ازدواج با میانجی‌گری مؤلفه‌های افق ازدواج ... ۲۳

Willoughby, B. J., S. S. Hall, and H. P. Luczak (2015), "Marital Paradigms: A Conceptual Framework for Marital Attitudes, Values, and Beliefs", *Journal of Family Issues*, no. 36.

Zimmer-Gembeck, M. J. et al. (2012), "Intimacy, Identity, and Status: Measuring Dating Goals in Late Adolescence and Emerging Adulthood", *Motivation & Emotion*, vol. 36, no. 3.